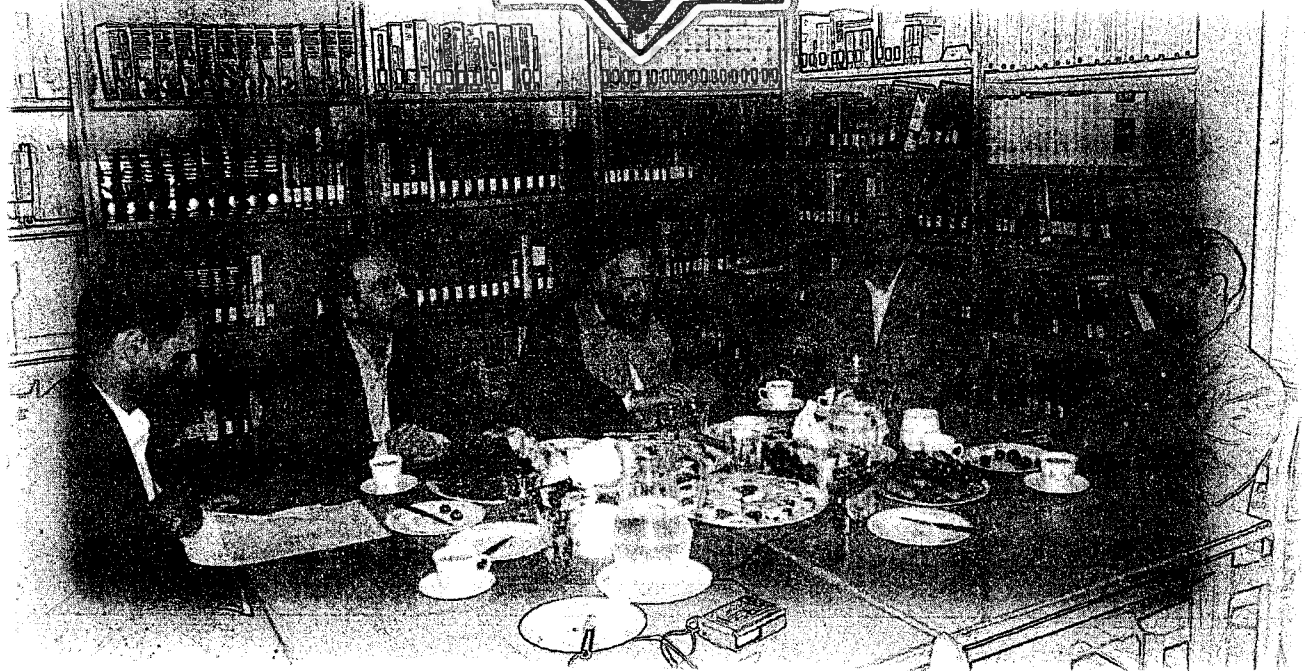


میزگرد



**داوری:** از استادان گرامی تشکر می‌کنم که تشریف آوردند. موضوع بحث این شماره، گفت‌وگوی تمدن‌ها است و می‌خواهیم راجع به امکان گفت‌وگوی تمدن‌ها و اینکه این گفت‌وگو چیست بحث کنیم. چنان که صاحب این طرح هم گفته است گفت‌وگوی تمدن‌ها، گفت‌وگوی سیاسی نیست؛ اگر گفت‌وگوی تمدن‌ها سیاسی نیست پس چیست؟ و بین چه کسانی صورت می‌گیرد؟ نمایندگان تمدن چه کسانی هستند؟ اگر استادان محترم اجازه بدهند آقای مصلح درباره طرح کلی مطلب و اینکه چگونه مطلب مطرح شده و چه اظهار نظرهایی راجع به آن شده است، توضیحی بدهند و بعد نظر استادان عزیز را بشنویم.

**مصلح:** در مورد گفت‌وگوی تمدن‌ها، زمینه‌های طرح و مبانی نظری و جوانب مختلف آن بحث‌های زیادی صورت گرفته است. اگر در صدد جمع‌بندی این مباحث باشیم شاید به طور کلی بتوان سه موضع را از هم جدا کرد. عده‌ای چنین تصور می‌کنند که طرح گفت‌وگوی تمدن‌ها صرفاً سیاسی است، یعنی آن را در مقابل نظریه برخورد تمدن‌های هانتینگتون تلقی می‌کنند. حتی اگر طراح این نظریه و پیشنهاددهنده اظهار کند که این طرح سیاسی نیست باز آن را نمی‌پذیرند. به خصوص پیشنهاددهنده ریاست جمهوری اسلامی ایران است و محل تصویب آن هم مجمعی متشکل از بزرگترین سران سیاست جهانی است. این موضع اول است. موضع دوم این است که اصلاً طرح گفت‌وگوی تمدن‌ها ناشی از شرایط و وضعیت خاصی در تمدن غرب، در اواسط قرن بیستم است برای تأیید این نظر و به عنوان شاهد می‌توانیم اشاره کنیم به کنگره‌ای که سال ۱۳۵۶ در ایران برگزار شد و حدود ۲۰ نفر از متفکران غربی و ایرانی در آن کنگره مقاله‌های خود را خواندند و به بحث نشستند. عنوان کنگره این بود، یعنی این سؤال را برای حاضران مطرح کرد: «با توجه به تأثیر جهانگیر اندیشه غربی آیا امکانی برای گفت‌وگوی واقعی میان تمدن‌ها وجود دارد؟» برداشت حضار و آهنگ غالب در مقالات این بود که جهان در وضعیتی به سر می‌برد که دوره تمام شدن ایدئولوژی‌هاست و در جست‌وجوی راه‌های جدید تمدن‌ها باید گفت‌وگو با هم را آغاز کنند.

موضع سوم که زیاد اظهار نشده ولی قابل اشاره است این است که اعلام گفت‌وگوی تمدن‌ها در واقع نشانه پیدایش افق‌های جدید در عالم معاصر است. به زعم برخی دوره سیطره غرب به پایان رسیده و ادیان، سنت‌ها و فرهنگ‌های فراموش شده یا به ضعف گراییده مجدداً در حال احیا هستند. مثلاً برخی احساس می‌کنند که گرایش به دین و معنویت در حال رشد است و به خصوص پیروان ادیان و مذاهب شرقی توجه به میراث شرق را علامت بازگشت به سنن فراموش شده‌ای در حیات انسان می‌دانند. آیا اقبال گسترده مردم به طرح رئیس جمهوری ایران که نماینده یک کشور مسلمان است نشانه اهمیت یافتن دعوت جهانی اسلام است؟ به هر حال به نظر می‌رسد این سه برداشت اهمیت بیشتری دارند. فکر می‌کنم که در این بحث اگر ابتدا به این پرسش پاسخ داده شود که در مسئله گفت‌وگوی تمدن‌ها، غیر از این سه منظر، منظر دیگری هم وجود دارد. ابتدا این بحث را پی بگیریم و بعد به جزئیات و مسائل فرعی بپردازیم. دکتر محقق داماد: نمی‌دانم عرضی که می‌خواهم بکنم می‌تواند پاسخی به پیشنهاد آقای مصلح باشد یا طرح دیگری غیر از وجوهی که ایشان گفته‌اند می‌تواند محسوب شود. اصولاً به نظر می‌رسد ما باید بحث کنیم که آیا مسئله گفت‌وگوی تمدن‌ها یک نظریه است یا جریان؟ اگر نظریه باشد وجوهی را که آقای مصلح برشمرند می‌شود برایش مطرح کرد، ولی بنده عقیده دارم که اصلاً گفت‌وگوی تمدن‌ها جریانی است که به قول فرنگی‌ها چه بخواهیم و چه نخواهیم گفت‌وگو انجام می‌گیرد. این طور نیست که نظریه بدهیم که گفت‌وگو بکنیم یا نکنیم. تمدن‌ها خواه ناخواه با هم برخورد دارند. برخورد می‌تواند همراه با درگیری و جنگ و اصطکاک باشد و یا مسالمت‌آمیز و به شکل گفت‌وگو باشد، یعنی هم‌زیستی و تعامل تمدن‌ها را می‌شود اسمش را گذاشت گفت‌وگو. به هیچ وجه گفت‌وگو به معنی حقیقی آن در این‌جا مطرح نیست که دو نفر با هم گفت و شنود کنند. معنای گفت‌وگو یعنی تعامل، یعنی تفاعل و من فکر می‌کنم با توجه به انفجار اطلاعات که در زمان ما صورت گرفته، از گفت‌وگو به معنای تعامل و تفاعل، گریزی نیست و این کار هم اکنون دارد انجام می‌شود، چه بخواهیم و چه